

## الدرس الرابع : ص. ۱ (التعایش السلمي) هم زیستی مسالمت آمیز

دهم انسانی

بی گمان این امت شما، امتی یگانه هستند و من پروردگارتان هستم، پس مرا پرستید. انبیاء/۹۲

مسئلاً رسالت اسلام درگذر زمان (به مرور زمان) براساس منطق و پرهیز از بدی کردن استوار بوده است. زیرا خداوند می فرماید:

"خوبی و بدی برابری شوند (برابر نیستند). (بدی را) با آن شیوه ای که بهتر است دور کن که آن گاه کسی که میان تو و او دشمنی هست، گویی دوستی صمیمی می شود."

قطعاً قرآن به مسلمانان دستور می دهد که به خدایانِ مشرکان (دوگانه پرستان) و کافران دشنام ندهند. او می فرماید: "به آن هایی که جز خدا را فرا می خوانند دشنام ندهید که (در آن صورت) خداوند یکتا را دشنام می دهند...".

اسلام به دین های الهی احترام می گذارد؛ "بگو ای اهل کتاب، به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است بیایید که جز خدا را نپرستیم و چیزی را نسبت به او شریک قرار ندهیم."

قرآن برآزادی عقیده تأکید می نماید: "هیچ اجباری در دین نیست...".

اصرار کردن بر موارد اختلاف و بردشمنی جایز نیست، زیرا کسی از آن سود نمی برد؛ و بر همه ی مردم واجب است که با نگاه داشتن عقاید هریک از آن ها، با یکدیگر همزیستی مسالمت آمیز داشته باشند؛ زیرا "هرگروهی با آن چه دارد، شاد است."

سرزمین های اسلامی مجموعه ای از ملت های بسیار است که در زبان ها و رنگ هایشان متفاوتند (اختلاف دارند).

خداوند بلندمرتبه فرمود: "ای مردم، قطعاً ما شما را از مرد و زنی (نر و ماده ای) آفریدیم و شما را به صورت گروه ها (ملت ها) و قبیله هایی قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. قطعاً گرامی ترین شما نزد خداوند، پرهیزکارترینتان است."

قرآن، ما را به وحدت و یکپارچگی فرمان می دهد. "همگی به ریسمان الهی چنگ بزنید و پراکنده نشوید."

همبستگی امت اسلامی به صورت های بسیاری جلوه گر می شود، از آن جمله جمع شدن (گردهمایی) مسلمانان در یک مکان در حج است.

مسلمانان یک پنجم ساکنان جهانند که در منطقه ی گسترده ای از زمین از چین تا اقیانوس اطلس زندگی می کنند.

امام خمینی که خدا او را رحمت کند، فرمودند: ..هرگاه کسی سخنی بگوید که مسلمانان را پراکنده سازد، پس بدانید که او یا نادان است یا داناییست که تلاش می کند بین صف های مسلمانان پراکندگی بیندازد (ایجاد کند).

و رهبران آیه الله خامنه ای (که خداوند او را حفظ کند)، فرمودند: هرکس از شما کسی را ببیند که به پراکندگی فرامی خواند، پس او مزدور دشمن است.

\*\*توجه :

- سطر ۸ : الْأَنْعَبَدُ = أَنْ لَأَنْعَبَدَ . - سطر ۱۱ : مَعَ بَعْضِهِمْ : بَعْضُ بَعْضٍ . یکدیگر.

- مترادف های متن درس : إِكْرَاهٌ = إِجْبَارٌ ، وَوَلِيٌّ = صَدِيقٌ ، ذَكَرٌ = مَذْكُورٌ ، أَنْثَى = مَوْثٌ ، شُعُوبٌ = قَبَائِلٌ ، وَحَدَةٌ = اِتِّحَادٌ ، سَبٌّ = شَتْمٌ .

- متضادهای متن درس : الْحَسَنَةُ وَالسَّيِّئَةُ ، الْإِسَاءَةُ وَالْإِحْسَانُ ، وَوَلِيٌّ وَعَدُوٌّ ، حُرِّيَّةٌ وَإِسَارَةٌ ، فَرِحُونَ وَمَحْزُونُونَ ، ذَكَرٌ وَأُنْثَى ، وَحَدَةٌ وَتَفْرِقَةٌ .

## ص. ۱۶ : نکات واژه نامه:

- اتَّقَى: پرهیزکار، پرهیزکارترین (بستگی به جمله دارد)، صفت تفضیلی است. \*بَا اتَّقَى (به معنی تقوای خدا پیشه کرد) اشتباه نشود.

- احتِفاظ: نگاه داشتن، حفظ کردن، حروف اصلی: ح ف ظ، ثلاثی مزید(باب افعال): اِحْتَفَظَ يَحْتَفِظُ اِحْتَفَظُ احتِفاظ  
 -إِسَاءة: بدی کردن ≠ اِحسان، حروف اصلی: س و ء، مصدر باب افعال است: اُسَاءَ يُسِئُ إِسَاءَةً (به امر آن نیازی نداریم!)  
 \*توجه: درصیغه های مختلف دستخوش تغییر شده که از بحث ما خارج است.

-اِسْتَوَى: برابر شد؛ یَسْتَوِي: برابر می شود، برابر است، مساوی می شود، مساوی است، حروف اصلی: س و ی، مضارع باب افعال است.:  
 اِسْتَوَى يَسْتَوِي اِسْتَوَاءً (به امر آن نیازی نداریم!)

-اَشْرَكَ: شریک قرار داد، مُشْرِك شد، حروف اصلی: ش ر ك، ماضی باب افعال است: اَشْرَكَ يَشْرِكُ اَشْرِكُ اِشْرَاك  
 -اِعْتَصَمَ: چنگ زد(بادست گرفت)، متمسک شد،حروف اصلی: ع ص م،ماضی باب افعال است: اِعْتَصَمَ يَعْصِمُ اِعْتِصَام  
 -اُكِّدَ: تأکیدکرد، حروف اصلی: ء ك د، ماضی باب تفعیل است: اُكِّدَ يُؤَكِّدُ اُكِّدُ تَأَكِّد  
 -اُكْرِمَ: گرامی تر، گرامی ترین(بستگی به جمله دارد.)، صفت تفضیلی است. \*با اُكْرِمَ(به معنی گرامی داشت) اشتباه نشود.  
 -اُنْثَى: زن، ماده = مَوْثٌ ≠ دَگَر

-أَلَا + فعل مضارع: اُنْ لَّا.

-تَجَلَّى: جلوه گر شد، جلوه کرد؛ يَتَجَلَّى: جلوه گر می شود، جلوه می کند، متجلی می شود، حروف اصلی: ج ل ي، ثلاثی مزید(باب تفعّل)است:  
 تَجَلَّى يَتَجَلَّى مصدر: تَجَلَّى (به امر آن نیازی نداریم!)

-تَعَارَفَ: یکدیگررا شناختن ≠ تَجَاهَلْ، حروف اصلی: ع ر ف، مصدر باب تفاعل است: تَعَارَفَ يَتَعَارَفُ تَعَارُفٌ  
 -لِتَعَارَفُوا: دراصل "لِتَتَعَارَفُوا" بوده که درمضارع باب های تَفَعَّلُ وَتَفَاعَلُ گاهی به دلیل سهولت تلفظ، ت مضارع حذف می شود.  
 -تَعَايَشَ: همزیستی داشت، همزیستی کرد، حروف اصلی: ع ي ش، ماضی باب تفاعل: تَعَايَشَ يَتَعَايَشُ تَعَايُشٌ  
 -تَفَرَّقَ: پراکنده شد، متفرق شد، حروف اصلی: ف ر ق، ماضی باب تفعّل است.: تَفَرَّقَ يَتَفَرَّقُ تَفَرُّقٌ  
 -لَاتَتَفَرَّقُوا: دراصل "لَاتَتَفَرَّقُوا" بوده(باهمان توضیحی که در"لِتَعَارَفُوا" داده شد.

-جَازَ: جایز شد؛ لَاجِزٌ: جایز نیست. حروف اصلی: ج و ز، ثلاثی مجرد است.: جَازَ يَجُوزُ مصدر:جَواز  
 -حَرِيَّة: آزادی، آزادی ≠ إِسَارَةٌ، حروف اصلی: ح ر ر // حَرٌّ ≠ أُسِير

-حَمِيم: گرم و صمیمی، حروف اصلی: ح م م

-خِلَاف: اختلاف، حروف اصلی: خ ل ف، مصدر دوم باب مُفَاعَلَةٌ: خَالَفَ يُخَالِفُ اِمْر:خَالِفٌ مصدر: مُخَالَفَةٌ و خِلَاف  
 -دَعَا: فراخواند، دعاکرد، دعوت کرد، حروف اصلی: د ع و، ثلاثی مجرد است: دَعَا يَدْعُو اِمْر: اُدْعُ مصدر: دُعَاء  
 \*توجه: درصیغه های مختلف دستخوش تغییر شده که از بحث ما خارج است.

-يَدْعُونَ: (این جا): فرامی خوانند

-دَگَر: مرد، نر = مُدْگَرٌ ≠ اُنْثَى

-فَرِحَ: شاد، خوشحال، مَسْرور = مَسْرورٌ ≠ حَزِينٌ، مَحْزُون  
 -فَرِحَ: شاد شد، ثلاثی مجرد: فَرِحَ يَفْرَحُ مصدر: فَرَحٌ  
 به حرکات این دو کلمه دقت نمائید.  
 فَرِحَ: شاد، فَرِحَ: شادی

-فَرَّقَ: پراکنده ساخت، متفرَّق کرد، جداکرد، حروف اصلی: ف ر ق، ماضی باب تفعیل: فَرَّقَ یُفَرِّقُ فَرَّقُ مصدر: تفریق و تفرقة

-قائد: رهبر، پیشوا، جمع: قَادَة

-سَبَّ: دشنام داد، ناسزاگفت = شَتَمَ، حروف اصلی: س ب ب ، ثلاثی مجرد است: سَبَّ یَسَبُّ

-سُكَّان: ساکنان، مفرد: ساکن (به معنی کسی که درجایی اقامت و سکونت دارد).

\*توجه: کلمه ی "ساکن" دو جمع مکسر دارد: سُكَّان و سَكَنَة

-سَلَمِيّ: مسالمت آمیز . سلم: صلح = صلح ≠ حَرْب

-سَوَاء: یکسان، مساوی. \*توجه: با کلمه ی "سَوَاء" در زبان فارسی (به معنی جدا، جداگانه) فرق دارد.

-عَلَى مَرَّالْعَصُور: درگذر زمان، به مرور ایام / عَصُور: دوره ها، روزگاران، مفرد: عَصْر

-عَمِيل: مزدور، جمع: عَمَلَاء

\*توجه: این مفرد و جمع ها با هم اشتباه نشوند:

مفرد	جمع
عَمَل (کار)	أَعْمَال
عامل (کارگر، کارگزار)	عَمَال، عَمَلَة
عامل (باعث)	عَوَامِل
عمیل (مزدور)	عَمَلَاء

-لَدَى: نزد، پیش = عِنْد، قید مکان یا زمان است. \* لَدَى+اسم: دارد؛ مثلاً: لَدَى فاطمة کتابٌ. فاطمه کتابی دارد.

یا: لَدَيْهِ: دارد، لَدَيْهِمْ: دارند، لَدَيْكُمَا: دارید، لَدَيْي: دارم، لَدَيْنَا: داریم.

-مع بعض: با همدیگر، با یکدیگر، باهم

## -ص. ۵۵: درك مطلب:

۱. پافشاری کردن بر موارد اختلاف و دشمنی برای دفاع کردن از حقیقت جائز است. غیر صحیح
۲. رسالت اسلام بر اساس منطق و پرهیز از بدی کردن است. صحیح
۳. بر همه ی مردم واجب است که با یکدیگر همزیستی مسالمت آمیز داشته باشند. صحیح
۴. بعضی از ملت ها به دلیل رنگ بردیگران برتری دارند. غیر صحیح
۵. یک چهارم ساکنان جهان از مسلمانانند. غیر صحیح

## -ص. ۶۱: التمرین الأول :

۱. رئیس کشور که به مسؤولان فرمان می دهد و آن ها را برای انجام وظیفه هایشان نصیحت می کند : قائد
۲. شناختن یکدیگر (شناخت پیدا کردن بر یکدیگر) : التَّعَارُفُ
۳. کسی که برای مصلحت دشمن کار می کند : العَمِيل
۴. یک قسمت از پنج : الخُمس

والسلام

حقیقی